

برنامه ریزی شهری و شهرهایی که در

فهرست میراث جهانی قرار دارند

ترجمه: بهرام قدیری

مقاله حاضر، بخش نهم از کتاب «رهنمودهای مدیریتی برای اماکن میراث فرهنگی جهانی» (۲) است که توسط پرنارد، ام. فیلدن (۳) و یوکایو کیلیو (۴) نگارش یافته است. این اثر توسط «مرکز بین المللی مطالعه نگهداری و مرمت گنجینه‌های فرهنگی» (۵) (ICROM) در سال ۱۹۹۳ میلادی در رم به چاپ رسیده است. این مرکز که توسط کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۱۹۵۹ در نهمین اجلاس آن پایه گذاری شده و دبیرخانه آن در رم واقع است، وظیفه جمع آوری، مطالعه و بخش اسناد در مورد حراست و مرمت گنجینه‌های فرهنگی، هماهنگ کردن، برانگیختن و با آغاز نمودن تحقیقاتی در این زمینه، در اختیارگذاران راهمایی‌ها و توصیه‌های لازم در موارد عمومی و یا شخصی و بالاخره کمک به تربیت محققان و تکنسین‌های ضروری جهت ارتقاء استانداردهای عملیات مرمت را به عهده دارد.

نلاس عمده کتاب موصوف به اداره امور مطلوب «اماکن میراث فرهنگی جهانی» (۶) معطوف است. این کتاب ماحصل همکاری حدود دهسال از متخصصان حفاظتی و مدیران میراث جهانی کشورهای مختلف جهان است که نتایج

حاصله به عنوان یک نظام نسبتاً جامع برای حفظ میراث جهانی عرضه شده است. لازم به ذکر است که تا ژانویه ۱۹۹۳ میلادی ۳۷۸ گنجینه در ۸۶ کشور جهان جزء «اماکن فرهنگی» و ۱۵ فقره جزء «اماکن» و مختلط طبیعی و فرهنگی قرار دارند. در کشور ما اماکن زیر در سال ۱۹۷۹ میلادی جزء فهرست «اماکن میراث فرهنگی جهانی» به ثبت رسیده است:

۱- جغا زنبیل؛

۲- تخت جمشید؛

۳- میدان امام اصفهان.

ترجمه بخش نهم از کتاب فوق‌الذکر با این هدف انجام شده است که اغلب توصیه‌های این کتاب در زمینه حفاظت، مرمت و احیاء مراکز تاریخی شهرها و بافت‌های با ارزش فرهنگی، می‌تواند بعضاً با اندک اصلاحاتی و یا عیناً در مورد بافت‌های ارزشمند شهرهای ایران نیز مورد استفاده قرار گیرد، به خصوص اینک که قصد بر آن است: اولاً - محور تاریخی و فرهنگی شهر اصفهان و هم چنین بخش‌هایی از بافت تاریخی شهر بزد جزء فهرست میراث جهانی به ثبت رسانیده شود؛

ثانیاً - به استناد مصوبه ۶۹/۹/۲۸ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، شهرهای فرهنگی - تاریخی اصلی کشور تعیین شده‌اند و اینک قصد بر آن است که فعالیت‌های زیر در این

شهرها تمرکز یابد:

- مراکز اشاعه هنرهای ملی؛

- هنرکده‌ها و آموزشگاه‌ها و مدارس عالی

هنری؛

- کانون‌ها و انجمن‌های ادبی، فرهنگی و هنری؛

- انجمن‌های روابط فرهنگی؛

- مؤسسات تحقیقاتی ادبی، هنری و

فرهنگستان‌ها؛

کانون‌های فیلم؛

- ناشرین کتب و مطبوعات؛

- کتابخانه‌ها و موزه‌ها (خاص)؛

- مراکز تولید و تهیه و پخش و دوبلاژ فیلم؛

- نمایشگاه‌های مصنوعات و هنرهای دستی و

کارگاه‌های هنری؛

- محل برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارها و

جشنواره‌های ملی و بین‌المللی.

بسیه‌ی است، استفاده از تجارت حاصله و رهنمودهای این بخش از کتاب که به صورت چکیده مطرح شده‌اند، می‌تواند به نحو مطلوبی راهگشای مدیران میراث فرهنگی کشور، دستگاه‌های اجرایی دست‌اندرکاران و مهندسين مشاور تهیه‌کننده طرح قرار گیرد. ضمن آن که مطالب بخش حاضر برای دانشجویان رشته معماری و شهرسازی و هم چنین برنامه‌ریزی شهری دارای نکات آموزنده است.



۱- پیشگفتار:

۱/۱- صفات ممیزه شهرهای تاریخی:

مرکز تاریخی شهری که به خوبی مرمت و نگهداری شده باشد، برای شهروندانش دارای مزایای زیادی است. یک چنین مرکزی برای ساکنان آن مأنوس و دارای مقیاس انسانی بوده که اغلب از نقطه نظر وجود فعالیت‌های گوناگون نیز غنی است. اگر این مراکز را با برخی از شهرهایی که به تازگی طراحان شده‌اند مقایسه نماییم، می‌توان دریافت که مراکز مزبور به لحاظ دارا بودن کاربرد سکونت، عملکردهای عمومی ویژه، خدمات با مقیاس مطلوب، مراکز تجاری و تفریحی، به نحو زایدالوصفی سزاوارترند. این شهرها معمولاً در مرکز و در حول و حوش بناهای کلیدی همچون کلیسا یا مسجد، قصر یا مرکز حکومتی که دارای میدان یا عملکرد تجاری نیز هست، استقرار یافته‌اند. در خیابان‌ها، کوچه‌ها و حتی مجاری آب و پل‌های آن برای عابرین، کیفیت‌های ماهرانه زیادی وجود دارد. این فضاها شهری به نحوی با یکدیگر ترکیب شده‌اند که به واسطه احساس شگفتی نسبت به فضاهای باز و بسته، جایگزینی دقیق مجموعه قطعات معماری، تصویر بصری نمایش گونه‌ای را ارائه می‌دهند. منظر بناهای اصلی از مکان‌های مختلف، نشانه‌های شهری اطمینان بخشی را برای عابرین تدارک می‌بیند. شهروندانی که تاریخ محل را می‌شناسند، از احساس غنی مشارکت در تاریخ شهر و حس استمرار و هویت آن، لذت می‌برند. بعضی از بناهای کلیدی شهر تاریخی، حواری رمز و رازی (V) هستند که بدون آنها، مکان هرگز همان هویت را دارا نخواهد بود.

در یک شهر تاریخی باید توجه داشت که عناصر و عوامل بالقوه مبثی بر باستان‌شناسی که ارزش‌های تاریخی و اصالت مواد سازنده آن را متجسم می‌سازد، به ساختار تمام ابنیه و تأسیسات زیربنایی شهر تعلق

دارد. اغلب، بخش عمده‌ای از بافت شهری، ممکن است متشکل از ابنیه ساده بدون کیفیت‌های هنری خاص، با معماری بومی و بی‌نام بوده که متصل به میدان‌های باز، کوچه و پارک‌ها باشد. اما باید توجه داشت که یک چنین ابنیه و فضاهای شهری هستند که در آن، حیات شهر تکامل یافته و همین ویژگی است که مفهوم شهر تاریخی را از مجموعه بناها، متمایز می‌سازد. لذا از آنجایی که انهدام یا مسامحه نسبت به آن می‌تواند شهر را از ذات خود محروم سازد، لذا برای درمان آن باید سیاست‌هایی را بنیان نهاد.

ارزش یک شهر تاریخی، متضمن شهادت و گواهی مواد تشکیل دهنده سنگ‌ها و ساختمان‌های آن بوده و این ارزش‌ها عموماً نسبت به آنچه در سطح شهر قابل رؤیت هستند، در لایه‌های زیرین‌تر قرار دارند. لایه شناسی تاریخی - گواه و نشانه‌هایی که در اثر تغییر کاربردها در طی زمان حاصل می‌شود و هم چنین ارتباطات و استمراری که بنای واحدی را به عنوان بخشی از متن شهر قرار می‌دهد - زمینه لازم برای تعیین ملاک‌های حفاظتی از شهر را تشکیل می‌دهد.

در رم، می‌توان مشاهده کرد که مواد به جامانده از ساختمان‌های رم باستان، به شکل دیگری در ساختمان‌های کاملاً معمولی به کار رفته است. از طرف دیگر، در خاورمیانه و شمال آفریقا نیز، شهرهای تاریخی بیانگر این حقیقت هستند که چگونه بناهای منفرد، استمرار یک الگوی شهری را شکل می‌دهند، الگوهایی که از محلات مسکونی با عرصه‌های عمومی و خدماتی، عرصه‌های عمده تجاری با تسهیلاتی از قبیل، سوق‌ها یا بازارها ترکیب شده‌اند. بافت شهری مراکز تاریخی که در یک دوره طولانی از زمان شکل گرفته‌اند، متشکل از عناصر و عملکردهایی است که به نحو نزدیکی با یکدیگر مرتبط و مزوج هستند.

در یک شهر تاریخی، اصالت موجود نقشه آن به وسیله تعدادی از منظرهای مختلف بیان می‌شود. این

بیان، در نقشه طرح کلی شهر و هم چنین در نقشه معماری، هنری، مهندسی و عملکردی بناهای منفرد و رابطه آنها با یکدیگر و نحوه استقرار آنها، مشاهده می‌شود.

هماهنگی ناشی از به کارگیری مواد و مصالح در بناهای سنتی و روش‌های ساخت آنها، بخشی از اصالت شهرهای تاریخی به شمار می‌رود و این وجه از کار باید مورد احترام قرار گیرد.

کاربرد رنگ‌های سنتی که متکی بر رنگ دانه‌های طبیعی یا رنگ‌های آهکی است، باید تداوم یابد. به علاوه، تاروپود و مقیاس شهر باید مورد احترام قرار گیرد و از دخالت‌های بی‌مورد جدید باید اجتناب نمود. زیرا، این مکان‌های اصیل یا ویژگی یک محل است که آن را یگانه و بی‌مانند ساخته و به آن کیفیت مخصوصی را اعطا می‌نماید.

شهر تاریخی یک ارگانسیم چند عملکردی با فعالیت‌های مسکونی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. چون این وجه از کار جزء ذات یک ارگانسیم شهری است، لذا منطقه تاریخی باید به درستی تعریف شود و سپس مناظر آن باید به نحو مناسبی مورد ملاحظه و تحت نظارت قرار گیرد.

در منطقه یک شهر تاریخی، تعمیر و نگهداری تمام بناها و عملکردهای اجتماعی آن، با هدف استمرار شهر به عنوان حفظ موجودیت شهری آن، یک امر کاملاً بنیادی محسوب می‌شود. به منظور جلوگیری از زوال اقتصادی و ساختاری شهر، طرح حفاظت باید بازرسی‌های منظمی را توسط معماران حفاظت کار، در برگیرد. این طرح همچنین باید توجه داشته باشد که شهرهای تاریخی، بخشی از یک اسکان وسیع‌تر، یعنی محبتی که آن را احاطه نموده، است. لذا، تنها راه برای اطمینان از مراقبت صحیح شهر، بسط سیاست‌ها، با هدف شمول آنها به زمینه‌های برنامه‌ریزی وسیع‌تر است.

۱/۲ - عوامل مخمل شهرهای تاریخی:

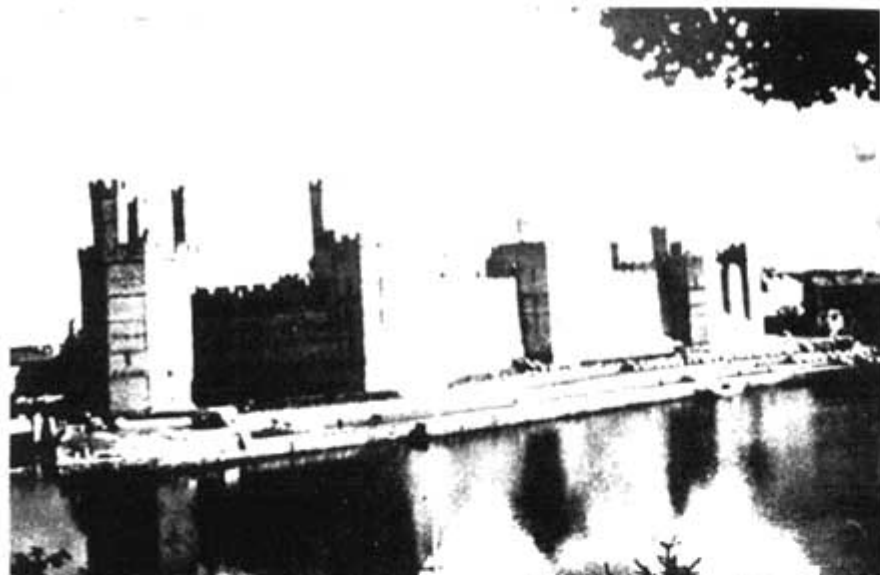
امروزه، کلیت سستی و عملکرد شهرهای تاریخی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، اغلب مورد تهدید عوامل مخمل قرار دارند. از جمله عوامل متعدد زوال شهرهای تاریخی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- رشد ساختمان‌های مرتفع که به وسیله تغییر در اقلیم محدود منطقه، حالت خفقان برای مراکز تاریخی شهر به وجود می‌آورند؛
- تغییرات در روش‌ها و مقیاس عملیات صنعتی و تجاری که عملکردهای اقتصادی مناطق تاریخی را از خود متأثر می‌سازد؛
- گذر از مرحله تولیدات حرفه به تولیدات انبوه که بناهای بزرگتر و بالمآل تجمع ترافیک را طلب نموده و مناطق تاریخی نمی‌توانند خود را با آن همساز نمایند؛

- مطرح شدن عملکردها و خدمات جدید باعث جابه جایی تأسیسات زیربنایی سستی شده که این مسأله خود باعث به وجود آمدن قسمت‌های اضافی در شهر می‌گردد؛ و

- عدم نگهداری از بناهای قدیمی و شکست در فهم و درک ارزش‌های فرهنگی و عملکردی موجود در آنها، خطرات زوال و اضمحلال را افزایش می‌دهد.

اغلب برنامه‌ریزان جدید از فهم و درک ارزش فرهنگی مراکز تاریخی ناتوان هستند، و قبول بی‌چون و چرا ترافیک اتومبیل در نمونه‌های مختلف آن، آنان را به ایجاد خیابان‌های مستقیم و پهن در مراکز حساس تاریخی هدایت نموده، و این اقدام به نوبه خود، مقیاس انسانی، ساختار سستی اصیل بافت شهری، خیابان‌های پیچ و خم‌دار باریک، و هم‌چنین رابطه میان عرصه‌های خصوصی و عمومی این مراکز را مورد تخریب قرار می‌دهد. الحاق بدون احساس مسئولیت بناهای جدید، که هم فاقد ریشه‌های فرهنگی است و هم از نظر اجرای محیطی فاقد مزیت



قلعه و باروهای شهر گویند (ولز) ادوارد اول بریتانیا

هستند، نیز به مراکز تاریخی خسارت وارد می‌سازند. مناطق تاریخی در حال افول را می‌توان به کانون‌های جذاب قابل زیست برای تمامی مقولات اجتماعی تبدیل ساخت و این امر از طریق آمیزش فعالیت‌های مسکونی، تجاری، صنعتی در مقیاس خرد و اوقات فراغت، میسر می‌گردد. مدیریت شهری، باید هدف خود را به خلق هماهنگی و اجتناب از کاربردهای نامطلوب و نگهداری بناها در مقیاس موجود و هم‌چنین ارزش‌های عملکردی و فرهنگی، معطوف نماید. روش شناسی (متدولوژی) این نوع نحوهٔ تقرب، حفاظت کامل نام دارد.

۲- اهداف برنامه‌ریزی:

در تمام مطالعات برنامه‌ریزی شهر که بر مراکز تاریخی اثر می‌گذراند، قبل از بسط راه حل‌ها، تبیین اهداف، یک امر ضروری محسوب می‌شود. در این

رابطه باید توجه داشت که چون تکنیک‌های متکی به موارد حرفه‌ای و سیاست‌های اجتماعی و فیزیکی قابل اطلاق به مراکز تاریخی بسنه به هر مرکز متفاوت است، لذا یک مدل جامع قابل اطلاق به تمامی موارد، وجود ندارد.

در شهرهای میراث جهانی، نگهداری بافت آن از طریق بهره‌گیری از تدابیر سودآور، یک هدف اولیه است.

حفاظت در مقیاس شهری، نه تنها فقط مستلزم توجه به ارزش‌های فرهنگی و تاریخی است، بلکه هم چنین استلزامات اجتماعی و اقتصادی اصولی آن را نیز طلب می‌نماید. در یک شهر تاریخی، مسایل حفاظتی، قبل از آن که از وجه فیزیکی مطرح باشند، بیشتر ریشه در برخورد سیاسی و اقتصادی دارد. شهر محصول دوره‌های تاریخی متعدد و ماحصل روابط

خاص میان مسایل اجتماعی، فرهنگی، انسان شناسی، جغرافیایی و اقتصادی آن است.

مرکز تاریخی، تشکیل دهنده یک کلیت وسیعتری است و باید به عنوان بخشی از واقعیت پویای زمان حال و نه به عنوان یک موضوع مطالعه ایستا و جذب توریست، مورد تحقیق و مطالعه واقع شود.

از نقطه نظر تاریخی، ثروت تکوین یافته در یک شهر، در ساختمان‌های مذهبی، مونومان‌ها، عمارات مجلل، باغ‌ها و ... سرمایه گذاری شده است. حال آن که امروزه مسأله ماء، کنترل هوشمندانه ثروت مستمری است که می‌تواند در یک شهر تکوین یابد. یعنی جایی که در اثر گذشت زمان، کاربردهای خصوصی به کاربردهای جمعی تغییر شکل یافته است. بنابراین، اقدامات برای تشویق امر حفاظت، به عوض تأکید بر ابزارهای آماری و فنی، باید به ابزارهای سیاسی متحول تکیه نماید. از این رو، برنامه‌ریزی برای کاربردهای سیاسی و اقتصادی شهر و منطقه تحت نفوذ آن، از اهمیت والایی برخوردار است.

۲/۱- حفاظت کامل:

حفاظت کامل، مستلزم تلفیق نیازمندی‌های حفاظت و اهداف برنامه‌ریزی شهری است، یا به عبارت دیگر، در روند برنامه‌ریزی کلی، ارزش‌ها و علائق بافت تاریخی موجود، همانند وضعیت سایر عوامل موجود در برنامه، یکسان مورد بررسی قرار گیرد.

با در نظر گرفتن این واقعت که شهرهای متعلق به میراث جهانی به لحاظ اهمیت جامع و برجسته‌ای که دارند مورد تصدیق و تأیید قرار گرفته‌اند، لذا این تضمین که اصالت و ارزش‌های آن به نحو مناسب حفظ گردد، کار دشواری خواهد بود. حفاظت کامل،

مستلزم حفاظت و توانبخشی ساختمان‌ها و مناطق تاریخی و تدارک خدمات عمومی مناسب، بر مبنای ملاک‌هایی است که این مناطق براساس آن ساخته شده‌اند. برای آن که در دراز مدت موفق بود، ضمن استفاده از تمهیدات قانونی و نرم‌ها به عنوان ابزار، این فرایند به طور کامل باید با مشارکت ساکنین در محل تحقق یابد.

اساس هر برنامه‌ریزی و مداخله در بافت موجود، کسب معرفت و شناخت و فهم کلیه موارد مرتبط با بافت را-چه از نقطه نظر گذشته و چه از نظر وضع حال آن- پیش نیاز دارد.

نقطه آغاز برنامه‌ریزی حفاظتی باید شناسایی بافت تاریخی شهر را براساس مطالعه و تجزیه و تحلیل دقیق آن، در دستور کار قرار دهد.

شهر باستانی صنعاء

ساخت و سازهای جدید در داخل بافت را می‌توان براساس نرم‌ها و استانداردهایی که بر مبنای آن ساخته می‌شوند، درک کرد. معمولاً بافت قدیمی تر، به خوبی درک نمی‌شود. لذا برای شناخت ملاک‌ها و تکنولوژی ساخت آن لازم است این بخش از شهر به دقت مورد مطالعه قرارگیرد.

شناخت بافت تاریخی شهر و دگرگونی‌های جدید آن، از طریق مطالعه تطبیقی نقشه‌های ممیزی املاک (A) و اسناد مربوطه که از نظر قدمت به ادوار تاریخی بر می‌گردند، تسهیل می‌شود.

ادوار مختلف تاریخی، براساس زمینه‌های خاص فنی، اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی، دارای قوانین و عرف‌های متمایزی هستند. شناخت این جهات و



حفاظت کامل یک چنین مراکز مستلزم اشتراک مساعی تمام نیروهای سیاسی و فنی و بهره‌گیری از مهارت‌های باستان‌شناس، قوم‌شناس، جامعه‌شناس و مورخ است که با معمار و مهندس طرح به صورت همکاری میان رشته‌ای، تحت رهبری یک برنامه‌ریز شهری مجرب و آگاه به مسایل حفاظتی، همکاری می‌نمایند.

۲/۲- کنترل تغییر:

یکی از موضوعات حفاظت شهری، کنترل نرخ تغییر در سیستم شهری است. بنابراین لازمست نیروهای حیاتی این سیستم و عوامل بالقوه زوال آن را درک نمایم.

بافت شهری به لحاظ استقامت نسبی مواد و مصالح ساختمانی تشکیل دهنده آن تمایل به ماندگاری در طول زمان را دارد. حال آن که در مقابل، فعالیت‌های انسانی که باید سازگار با بافت باشد، سریعتر تغییر می‌نمایند (مثل استانداردهای زندگی، ابعاد خانوار، شیوه تولید، تغییراتی که تکنولوژی معرفی می‌نماید همچون وسایط نقلیه موتوری و تلویزیون، جابجایی در اثنای جنگ یا سوانح طبیعی). در اثر گذشت زمان، و همزمان با فرسودگی آشکار یا واقعی بناها و تأسیسات زیربنایی، احتمال بروز تعارضات وجود دارد. اگر پیش‌بینی‌های مقتضی صورت نگیرد، این امر می‌تواند به آفت برنامه‌ریزی تبدیل شده و بالمآل فرسایش، پیشروی و سای، ساختمان‌های موجود به دنبال آورد.

فرسودگی دارای دو نوع عمده است:

- فرسودگی فیزیکی سوام یا ساختاری و عملکردی.
- فرسودگی موضعی یا محیطی؛ ناشی از صدا، ترافیک یا آلودگی هوا.

آفت برنامه‌ریزی، خود یک بیماری اقتصادی است که در اثر فقدان تصمیم‌گیری، یا تلاش‌های ناکامیاب جاه‌طلبانه و افراطی برای سرعت بخشیدن

منطبق گردند. از آنجایی که وسایط نقلیه با محورهای بزرگ، می‌توانند عامل تخریب و تشدید افول بناهای تاریخی گردند، لذا باید از ورود آن‌ها به این مناطق جلوگیری نمود. البته ضمن تأمین حمل و نقل داخلی در درون بافت، بهترین راه برای ترافیک وسایط نقلیه موتوری، انتقال آن را از طریق گذرگاه‌های فرعی یا جاده‌های حلقوی (رینگ) است که این معابر نیز باید دارای دسترسی‌های بی‌بست با بخش‌های مناسب شهر تاریخی باشند.

در پیشنهاد یونسکو برای حفاظت شهر تاریخی حلب (Bianca et al., 1980) تمام این عوامل مختلف مورد شناسایی قرار گرفته و یک طرح بنیادی و توصیه‌هایی برای مطالعات بیشتر را به دست می‌دهد. یکی از مهمترین تذکرات، در این جا تکرار می‌شود:

مشخصات بنیادی ساختار بافت اسلامی از قبیل آرایش درون‌گرای معماری آن، ترکیب بناهای واحد در مجموعه‌های بزرگتر، انسجام بافت شهری و شخصیت ویژه شبکه پیاده (در طرح‌های قبلی) مورد ملاحظه قرار نگرفته‌اند. محظورات خاص شهر قدیمی، از نقطه نظر مقیاس و گونه‌شناسی معماری آن، تنها به حجم محدودی از فعالیت‌هایی که مستقیماً با حمل و نقل ترافیکی مرتبط است، اجازه می‌دهد.

بسیاری از مناطق تاریخی از جمله، حتی شهرهای مسیرات جهانی، فرسوده و مشکل از بخش‌هایی هستند که اغلب متروک و مسکن آن فاقد تأسیسات زیربنایی مناسب بوده و مشکلات ترافیکی آن نیز بیانگر تعارض میان نیازهای عابرین و وسایط نقلیه موتوری است. با عنایت به تاریخ طولانی این گونه مناطق، اغلب یا الگوهای پیچیده مالکیت‌هایی رویرو هستیم که به چندین پاره تقسیم شده‌اند. در مناطق تاریخی، هم چنین مشکلات اقتصادی نیز وجود دارد. و اگر ارزش‌های خود منطقه تاریخی، به ارزش‌های بافت ساختمان‌های آن تقدم جوید، این ارزش‌ها به وسیله توسعه مجده، تهدید می‌شوند.

روش‌های اطلاق آن (برای مثال از طریق مطالعه وسایط مورد عمل از عصر حاضر) به فهم منطق مستتر در نحوهٔ احداث و استقرار بناها و هم‌چنین، منطق موجود در خود فضاهای عمومی شهر تاریخی، مدد می‌رساند.

در نتیجه این عمل، شناخت ساختارها و فضاهای تاریخی که اینک در شهر وجود دارند و هم چنین عوامل تخریب و الحاقات جدید، مسر می‌گردد. یک چنین تجزیه و تحلیل، به تعریف فیزیکی مناطق مهم تاریخی موجود و سواحی که احتمالاً به عنوان محافظ آن‌ها به شمار می‌روند و هم چنین به تهیه نرم‌های برنامه‌ریزی برای حفاظت مناسب از این مناطق، کمک می‌نماید.

مطالعه و بررسی نیروهای محرک رشد اقتصاد مناطق شهری به عنوان یک کل، اطمینان از «خود - نگهداری» مناطق تاریخی را فراهم می‌آورد. البته، کنترل رشد، از طریق ممنعت ساخت بناهای بزرگ ناخواسته و یا جلوگیری از جریان ترافیک نامطلوب و خارج از مقیاس که عملکردهای آن موجب گسیختگی توازن شهر می‌گردد، بسنه به نظر برنامه‌ریزان است. بلوک‌های اداری مرتفع باید در محلی دور از مراکز تاریخی استقرار یابند، حتی برج‌های آب، بناهای صنعتی و برخی از خدمات شهری که اگر به دقت مستقر نگردند، می‌توانند عامل از هم گسیختگی بافت شوند.

بر اساس ظرفیت مناطق تاریخی، باید نیازهای حمل و نقل آن به دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند، تا این مناطق بتوانند وسایط نقلیه موتوری یا ترافیک پیاده را در خود جذب کنند.

برخی از مساطق تاریخی به نحوی طراحی شده‌اند که یک حصار طبیعی را برای ترافیک وسایط نقلیه موتوری ایجاد می‌نمایند (برای مثال خیابان‌هایی که باریک و یا دارای پله هستند)، به هر حال لازم است نفاذ‌هایی موجود برای وسایط نقلیه موتوری، بر اساس نیازهای بنیادی مناطق خاص

به نوسازی (مدرنیزاسیون) حاصل می‌شود. این امر هم‌چنین می‌تواند ناشی از شکست در تدارک یک طرح اضطراری در مناطق مستعد سیل یا زلزله باشد. براساس یک تجزیه و تحلیل کاملاً مجهز مبتنی بر گونه‌شناسی - ساختاری و بر مبنای یک برنامه توان بخش، مدیریت حفاظت شهری باید قادر باشد که این تغییرات را جذب نموده، تعارض‌ها را کاهش دهد و یک بهبودی تدریجی در مناطق متروک به وجود آورد. به علاوه تجربه نشان می‌دهد که از نظر زمانی، حداقل مداخله‌ها در نقاط کلیدی به نفع عموم است. سیستم‌های شهری و منطقه‌ای روستاها و شهرها در طی قرون و تحت انگیزه نیروهای تکامل یافته‌اند که در بین آنها بخش‌های خصوصی و عمومی، بنیان‌گذاران اولیه، صاحبان املاک می‌توانند تصمیم‌گیری نمایند. در بسیاری از جوامع، این عمل به وسيله دولت، شرایط محلی که برخی از اجبارها را تحمیل می‌نماید، کنترل می‌شود. در گذشته، کاربرد تکنولوژی ساخت بناهای مقاوم، شیوه خلق هماهنگی هارمونی و مقیاس عملیات با محدودیت روبرو بود. تنها در قرن بیستم است که برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای به عنوان ابزار پرداختن به تعارض میان نیروهای بازار آزاد و متکی بر کسب سود از یک سو و اهداف و مشکلات جامعه از دیگر سو، معرفی شده است.

یک چنین برنامه‌ریزی، اینک به عنوان وظیفه دولت، با قوانین خاص خود، سازمان اداری و ابزارهای مالی مربوطه، مطرح شده است. این وظیفه، نوعاً تهیه طرح، اجرای طرح و بازنگری طرح را در بر می‌گیرد. بدیهی است روند عمومی برنامه‌ریزی بسته به کشورها و زمان متغیر است؛ این امر عمدتاً به نوع فرهنگ و عادات هر کشور خاص و سرمایه حرفه‌ای در دسترس آن کشور، وابسته است. این یک اشتباه است که از سیستم‌های حاضر و آماده کشورهای دیگر اقتباس نمود، زیرا آن سیستم‌ها ممکن است با نیازها و علایق مردم مطابقت نداشته باشد. شهرهای متعلق به میراث جهانی باید تبدیل به مکان‌هایی گردند که در آنها مردم سکنی گزیننده، کار خود را در آن پیگیری

نمایند و از زمان فراغت خود لذت ببرند، زیرا این شهرها موزه به شمار نمی‌روند و نباید به آنها به مثابه یک موزه نگریست.

۳- روش عملیات برنامه‌ریزی:

با آگاهی از این که میان برنامه‌ریزی فیزیکی عمومی و برنامه‌ریزی در مناطق خاص، تفاوت‌هایی وجود دارد و این تفاوت‌ها از طریق ارزش‌های فرهنگی خاص متمایز می‌گردند، معهدا می‌توان یک مدل برای نوایند برنامه‌ریزی شهر تشخیص داد که در سراسر جهان با درجات متفاوت تأکید و با تعدیل‌هایی مورد قبول واقع شده است. این فرایند مستلزم تحقق موارد زیر است:

- شناسایی وضعیت موجود؛
- پیش‌بینی برخی از وقایع آینده با فرض عدم مداخله برنامه‌ریزی؛
- ضابطه مند کردن انواع احتمالات گزینه‌های آتی، یا فرض مداخله برنامه‌ریزی؛
- ارزیابی برخی از حالات گزینه‌ها با هدف بررسی امکان‌پذیری و مطلوبیت تحقق آن‌ها؛
- تدوین جزئیات گزینه‌های انتخابی؛
- تدوین یک برنامه جهت به اجرا درآوردن گزینه‌ها از طریق ابزار ضروری مربوطه، همچون ابزار قانونی، اداری، مالی و غیره؛
- بازنگری مجدد گزینه‌ها در پرتو تجربه، و بررسی بازتاب‌های اجرایی آن، که این اقدام مستلزم مراقبت و آگاهی از تمامی وقایع در چارچوب یک روال منظم است.

یک طرح جامع نمونه برای مناطق شهری شامل دو جزء اساسی است. اولین جزء، آن شامل ارابه یک نقشه مقطعی (پروفیل) جاری و آتی از منطقه طرح است (یعنی وضعیت ساکنین آن منطقه با کسانی که در فعالیت‌های روزمره از آن منطقه استفاده می‌کنند). جزء دوم آن، تدارک کاربری‌های مناسب مختلط زمین

برای آن فعالیت‌ها از قبیل صنعت، مراکز خرید، مدارس و... است. به نحوی که توسعه فیزیکی مناسب امکان تحقق خود را بیابد.

در مورد شهرهای تاریخی و شهرهایی که جزء فهرست میراث جهانی قرار دارند، تکنیک‌های رایج برنامه‌ریزی شهری - از قبیل مطالعه روندهای مبتنی بر جمعیت شناسی، جابه‌جایی جمعیت، ترافیک و حمل و نقل (شامل رشد مالکیت وسایط نقلیه)، پیشنهاداتسی برای منطقه‌ای کردن فعالیت‌ها و تخصیص مکان برای توسعه جدید و بهبود جریان گردش ترافیک - اغلب بسیار غیرقابل انعطاف و معمولاً نامناسب و ناکافی است.

مفهوم منطقه‌ای کردن - محدودکردن یک منطقه به مقوله خاصی از کاربرد - باغتنای فرهنگی و تنوع اجتماعی یک مرکز تاریخی زنده و شاداب مغایر است. آمارهای کلاسیک که متکی بر منطقه‌ای کردن هستند، اطلاعات دقیق و مناسب را در مورد مالکیت‌های خاص فراهم نمی‌آوردند. لذا اطلاق استانداردها بدون توجه به ملاحظات مندرج در واقعیت تاریخی موجود یک اقدام مخاطره آمیز خواهد بود که نتیجه آن می‌تواند تخریب مقیاس انسانی موجود و بافت شهری مراکز تاریخی را به همراه داشته باشد.

مسائل اجتماعی در مناطق تاریخی نیازمند مطالعه کامل بر مبنای یک روش شناسی مناسب بر اساس شرایط محلی موجود است. الگوی مالکیت و تأثیر سنت‌های رایج حکومتی و تجارب قانونی باید به دقت مورد بررسی و ملاحظه قرارگیرند. اگر در این مورد بدون توجه به مدیریت‌های حاکم بر جامعه اقدامی بخواهد صورت گیرد، تغییرات باید متدرجاً و یا بر اساس قانونگذاری تحقق یابد. آموزش و تعلیم، عوامل مهمی در این زمینه به شمار می‌روند.

طرح‌های ملی و استانی اثرات بنیادی بر مسحوطه‌های میراث جهانی دارند. لذا یک چنین طرح‌هایی باید به دقت مورد مطالعه قرارگیرند و هر فکر اصلاحی لازم برای حفاظت آن‌ها باید به موقع پیشنهاد گردند. عوامل نمونه‌ای مختل مشتمل بر

۳/۱- مراقبت‌ها و بازبینی‌ها:

طرح شهری باید با توان بالقوه موجود در بافت ساختمانی آن منطبق باشد. مراقبت‌های تفصیلی از تمامی بافت تاریخی زنده، به برنامه‌ریزان ضمن بکارگیری منابع فرهنگی در سودمندترین شرایط آن، این امکان را می‌دهد که طرحی واقع‌بینانه ارائه دهند.

مدیریت مناطق شهری تاریخی در مقایسه با برنامه‌ریزی شهر مرسوم، به وسیله این حقیقت از یکدیگر متمایز می‌گردند که در مناطق تاریخی مراقبت‌ها باید مرتباً در فواصل زمانی منظم تحقق یابد. اگر این مناطق به درستی مورد شناسایی قرار گیرند و گزارش‌های کامل در دسترس باشد، آنگاه ارزش‌های مبنی بر باستان‌شناسی آنها تشخیص داده می‌شود و برخی از بناهایی که در خود اهمیتی نهفته دارند و قبلاً ذهن ما را به خود مشغول نکرده بودند، سزاوار مرمت می‌گردند.

روش‌های فراروانی وجود دارند که در آنها مراقبت‌های منظم شکل می‌گیرد. اگر مهارت‌های حرفه‌ای محلی ناکافی است، می‌توان فهرستی از معمارهای واجد شرایط به وسیله کمیسیون محوطه مربوطه مورد تأیید قرار گیرد و رهنمودهایی برای روش عملیات تدارک دیده شود. بر اساس شرایط محلی، برای محوطه تاریخی بسیار سودمند خواهد بود که اگر کمیسیون بتواند کمک‌های بلاعوض را اعطاء نماید و یا تمام هزینه‌های این کار را عهده گیرد. به مالکین املاک هم باید اجازه دخالت را داد، و اگر آنها نسخه‌ای از وضعیت گزارش ملک خود را به دست آورند و تشخیص دهند که مراقبت‌های منظم هزینه طولی‌المدت نگهداری از ملک را کاهش می‌دهد، این امر به سهولت میسرتر خواهد شد.

۳/۲- اجراء:

در بسیاری از کشورها روش عملیات برنامه‌ریزی



لپتیس ماگنا (سایت باستان‌شناسی) لیبی

رسیده، مشخص شده است. در حالی که این گزارش‌ها فقر را به عنوان عامل تنزل محیطی تشخیص داده‌اند، تأکید زیادی بر نیاز همکاری بین المللی برای تغییر کیفیت رشد و حفظ و ارتقاء منابع می‌نمایند. این امر به مثابه جهت‌یابی مجدد تکنولوژی و مدیریت عوامل مخاطره‌آمیز و همچنین تجمیع علائق محیطی و اقتصادی به فرایند تصمیم‌گیری است. در مفاهیم میراث فرهنگی، این نحوه تقرب جدید به مسایل، نیاز به برنامه‌ریزی حفاظتی جامع با مدیریت واقع‌گرا و توسعه مناسب برای منابع فرهنگی موجود را تقویت می‌نماید.

مراجع محلی و ملی اغلب نقطه نظریات مغایری در باب اولویت‌های برنامه‌ریزی شهری دارند. این اختلاف تنها از طریق آغاز نمودن برنامه از وضعیت موجود و به کارگیری یک نحو تقرب برای بازبینی منظم، با هدف تبیین دقیق وضعیت موجود و شرایط منابع، حل و فصل خواهد شد.

طرح‌هایی که برای احداث جاده‌های جدید ارائه می‌شوند، مکان‌یابی صنایع و انتشار آلودگی گازها و... همگی باید دقیقاً مورد بررسی واقع شوند. حفاظت محوطه‌های متعلق به میراث جهانی باید از بالاترین درجه اولویت نسبت به تمامی طرح‌های برنامه‌ریزی شهری از مقیاس طرح‌های ناحیه‌ای گرفته تا استراتژی منطقه‌ای، استانی و ملی، برخوردار باشد.

در بسیاری از موارد مشکلات گریبانگیر شهرهایی که جزء فهرست میراث جهانی قرار دارند، بیشتر در رابطه با مباحث عمومی محیطی و کنترل توسعه است.

این مباحث به وضوح در گزارش کمیسیون جهانی محیط و توسعه (۹) در سال ۱۹۸۷ (سازمان ملل متحد، ۱۹۸۷) بیان گردیده و همچنین در بیانیه توکیو که در همان سال و در همان گزارش به چاپ

از بالا به پایین است، یعنی از کشور به استان و از منطقه به شهر؛ همین امر می‌تواند در مواردی که مسئولیت اصلی به گروه‌های مشخص واگذار می‌شود صادق باشد. بهرحال مرجع مربوط به منظور اجرایی مسئولیت، راهنمایی، انسداد و یا کنترل فعالیت‌های توسعه، حفاظت و آژانس‌های توسازی را به عهده خواهد داشت. مرجع تهیه کننده برنامه ممکن است عملکردهای اجرایی متمایزی برای بخشی خاص را به عهده داشته باشد، از قبیل تدارک عناصر زیربنایی همچون منابع آب، کانال‌های آب، فاضلاب، تاسیسات الکتریکی، جاده‌ها، فضاهای لازم برای پارکینگ‌ها و خانه‌ها و همچنین حفاظت بناها و مراکز تاریخی. عملیات اجرایی ضرورتاً یک فعالیت پویا است که از فرایند برنامه‌ریزی شهری شروع می‌شود و تا جمع‌آوری بازتاب‌های دوره‌ای و بازنگری در طرح را شامل می‌گردد.

برنامه‌ریزان حفاظتی، ضمن ارزیابی ارزش‌های مندرج در یک موضوع، محوطه یا یک مرکز تاریخی، بر اساس نظام پایین به بالا امر مراقبت را انجام می‌دهند؛ ابتدا به ضبط اسناد تاریخی پرداخته، سپس شناخت وضع موجود را در دستور کار قرار می‌دهند، آنگاه حداقل مداخله‌های لازم برای جلوگیری از آسیب و نقصان را پیشنهاد می‌کنند.

آسیب یا نقصان می‌تواند عوامل فرهنگی و اقتصادی و همچنین عوامل فیزیکی داشته باشد. حفاظت تنها می‌تواند عامل زوال فیزیکی را به تأخیر اندازد، اما به وسیله ترغیب شعور و آگاهی عمومی نسبت به ارزش‌های محوطه تاریخی، می‌توان در طرز تلقی فرهنگی تغییراتی را ایجاد کرد و به مدد برنامه‌ریزی، عوامل اقتصادی آسیب یا نقصان را برطرف نمود.

برنامه‌ریزی حفاظتی از نقطه‌نظر مساله توان‌بخشی در مراکز تاریخی از اهمیت خاصی

برخوردار است. بهرحال، حتی کشورهایی که دارای طرح‌های برنامه‌ریزی شهری پیچیده هستند، اغلب وضعیت واقعی میراث فرهنگی و ظرفیت آن برای اعطای کاربردی، گزینه‌ای دیگر را مورد توجه و محاسبه قرار نمی‌دهند. (در اکثر مناطق تاریخی، توان‌بخشی یک ضرورت اقتصادی است که بعداً مورد بحث واقع خواهد شد).

برنامه‌ریزان نه تنها باید به بناها و فضاهای تاریخی احترام بگذارند، بلکه هم‌چنین لازم است عناصر نامحسوس میراث فرهنگی که به عنوان ارزش‌های جامعه یا زندگی عامه متجلی شده‌اند را مورد عنایت خاص قرار دهند. هدف برنامه‌ریزی باید تا آنجا که از نقطه‌نظر تجربی امکان‌پذیر است از تغییرات و تخریب الگوهای سنتی راجع جامعه اجتناب ورزد. گرچه از نظر زمانی منجمد کردن زندگی عامه امکان‌پذیر نیست، معهذاً اصلح است برنامه‌ریز تغییرات را با احترام به این اصل که مردم ساکن در محل خود حق انتخاب را داشته باشند، فقط تسهیل نماید.

۳/۳- نیاز به کارکنان:

فواید برنامه‌ریزی هنگامی که با کلیه اطلاعات ضروری مربوطه و به درستی انجام شود، نیاز عمده‌ای به کارکنان حرفه‌ای دارد. البته هر کشوری به تنهایی کارکنان کافی را برای سازماندهی یک نظام برنامه‌ریزی پیچیده که به تمامی نیازهای مردم هم پاسخ مناسب را ارائه دهد، دارا نیست. در واقع مرافیت‌های برنامه‌ریزی شهری گاه چنان غامض است که افراد عامی اغلب از تلاش برای فهم روش عملیات و منطقی که در ورای آن قرار دارد صرف‌نظر می‌کنند؛ تاخیرهای طولانی مدت در تصمیم‌گیری نیز به این موضوع کمک نمی‌کند.

یکی از اهداف برنامه‌ریزی حفاظتی باید برقراری یک نظام ارنسباطات با مالکین املاک باشد و رهنمودهایی را برای نحوه برخورد آنان با ملکشان

تدارک بیند. این اقدام را می‌توان از طریق تعیین مناطق حفاظتی و انتصاب یک «معمار - برنامه‌ریز» همراه با یک ارزیاب انجام داد تا این گروه امر راهنمایی و ارابه‌طریق را به عهده گیرند. این روش گرچه در حد خود کامل نیست، ولی به سرعت می‌تواند زمینه آشنایی با مساله حفظ ضروری محوطه‌ها را در کشورهای در حال توسعه، فراهم آورد.

۳/۴- گزارش و طرح حفاظت:

گام بعدی در روش عملیات برنامه‌ریزی حفاظتی تهیه گزارش حفاظتی در یک مرکز تاریخی توسط مشاوران مستقل است. این گزارش مشتمل بر تحقیقات آرشیوی و یک سری بازمینی‌های فیزیکی از محل است. نتایج کار باید یکجا و با استفاده از نقشه‌های مصور در مقیاس‌های مناسب گردآوری شوند. (۵) طرح‌های حفاظتی و نرم‌های اجرایی آن می‌باید متکی بر این گزارش باشند تا بتوان آنها را از نقطه‌نظر اجرایی اطلاق‌پذیر دانست. در ضمن این طرح‌ها دقیقاً باید ضمن مشورت با مالکین املاک تهیه شوند. مجموعه‌ای از رهنمودهای عملی یا دفترچه‌های راهنمای دستی، به منظور ارابه به مالکین املاک جهت پاسخگویی به سؤالات فنی آنها، در این مورد بسیار کارساز هستند.

گزارش و طرح باید مشتمل بر بازمینی‌ها و مدارک زیر باشد:

نقشه‌ها: نقشه‌های پایه که بیانگر وضعیت شهر در محل و مرکز تاریخی به عنوان زیر مجموعه آن باشد.

مالکیت: نقشه‌هایی که مالکیت کاربری فعلی املاک بخش تاریخی را نشان دهد.

تاریخچه: بیان تصویری توسعه تاریخی عمومی شهر مشتمل بر کلیه مناطق آن با تأکید بر هسته تاریخی آن. در ضمن باید یک بازمینی باید عصرها و مراحل تاریخی موجودی تمامی بناهای فعلی به تصویر درآید.



قصر الحمراء و مجموعه جنرالیف (در گرانادا)
اسپانیا

مجموعه نقاشی‌های تاریخی، حجاری‌ها، نقشه‌های قدیمی‌تر از شهر، همراه و مکمل یکدیگر باشند. به عنوان بخشی از تجزیه و تحلیل در این باب بسیار مهم است که صحت و سقم هر حوزه از شهر در نقشه‌ها مشخص گردند که در چه دوره‌ای تکوین یافته و هر عنصر در بافت فعلی شهر مرتبط به کدامین مرحله است. این بررسی نه تنها به منظور تدوین ملاک‌های حفاظتی برای ساختارهای فیزیکی موجود درخور توجه است، بلکه برای تعیین مناطق عملکردی به عنوان میانی نوانبخشی احتمالی آن‌س ضروری است. ادوار و مراحل تاریخی بناها باید مشخص شده و یک نقشه نیز باید بیانگر بناها و مناطقی باشند که در آینده تحت مراقبت خاص مراجع (۵) درخواست خواهند آمد.

گونه‌شناسی و وضعیت: بازبینی‌ها و نتایج نقشه‌های تحلیلی، نحوه گونه‌شناسی بناهای تاریخی

گونه‌شناسی: (الف) بازبینی گونه‌شناسی معماری، ساختمانی و عملکردی تمام بناها؛ (ب) گونه‌شناسی فضاهای باز عمومی و خصوصی (ج) تجزیه و تحلیل شهری و محوطه‌سازی آن.

وضعیت: بازبینی وضعیت فیزیکی املاک تاریخی متعلق به اشخاص و ناسبات زیربنایی و خدمات در منطقه‌ای که تحت حفاظت قرار دارد.

طرح حفاظتی: مشتمل بر نقشه‌هایی که بیانگر سیاست حفاظتی پیشنهادی بوده و نحوه برخورد با آن را نشان داده، همچنین نرم‌های و ضوابط اجرایی را مشخص نماید.

نقشه‌ها و مالکیت: به عنوان مبنایی جهت کار، یک سری نقشه مورد نیاز است تا تمامی شهر و مناطق تاریخی آن را در مقیاسی نشان دهد که بتوان مالکیت‌های شخصی و محدوده‌های آن را پروری نقشه مشخص کرد (برای مثال ۱:۵۰۰ یا ۱:۱۲۵۰). یک نقشه نیز مورد احتیاج است که مالکیت و کاربری آن را بیان نماید (برای مثال کاربرهای خصوصی، عمومی، تجاری، صنعتی، مذهبی و غیره). یک چنین نقشه‌ای می‌تواند با اطلاعات مربوط به ثبت اسناد و داده‌های حاصل از نقشه‌های ممیزی املاک (کاداستر) و از طریق همکاری مراجع محلی ترکیب و تکمیل شود. اگر مالکیت وضع موجود با مراحل قبلی آن مقایسه گردد بسیار مفید خواهد بود زیرا در این صورت می‌توان اثرات توسعه‌های اخیر را مشخص نمود. در مراحل کاملتر بعدی، مطلوب است که نقشه‌هایی از طبقه همکف بافت تاریخی تهیه کرد. بازبینی‌های بعدی باید هم چنین اطلاعاتی در مورد ناسبات زیربنایی و وضعیت زمین‌شناسی منطقه را بیان دارد.

تاریخچه: یک سری از نقشه‌ها نیز باید تصویری از مراحل توسعه تاریخی کل شهر با تأکید بر هسته تاریخی آن را ارائه دهند. دلایل توسعه یا افول شهر در دوره‌های مختلف باید بر روی این نقشه‌ها مشخص گردد. این بررسی می‌تواند با مطالعات کتابخانه‌ای،

سختند و غیره) تجزیه و تحلیل‌ها باید با اطلاعات مستند و



دژها و قلعه‌های غنا

مشتمل بر موارد زیر باشند :

- بررسی مراحل تطور در بستر زمان،
- تبیین وضعیت املاک، و وضعیت حالات و شرایط اجتماعی و اقتصادی مناطق مربوطه.
این اسناد مبانی مقدماتی و زمینه ارجاع بعدی برای توصیه‌هایی که در مرحله درمان مطرح خواهند شد را شکل می‌دهند. بازمینی هم‌چنین می‌تواند به تجزیه و تحلیل منظر شهری یا محوطه‌سازی بسط یابد که در این مرحله ملاک‌ها و معیارهای طراحی مورد ملاحظه قرار می‌گیرند و به موازات آن اهمیت مجموعه‌ها، فضاها و مناطق دلنشین شهری، پارک‌های تاریخی و باغ‌ها، دید بناها یا خیابان‌ها، دیدهای بیرونی مرکز تاریخی مشخص شده و نتایج آن می‌تواند به عنوان یک مرجع هم برای برنامه‌ریزی حفاظتی و هم برای توسعه‌های احتمالی جدید در ناحیه مورد توجه قرارگیرد. در این زمینه باید توجه داشت ساختمان‌های مهمی که برای شهروندان حس هویت را القاء می‌نمایند، باید مشخص شوند.

طرح جامع حفاظت: سندی است که نتایج

حاصل از تجزیه و تحلیل‌های فوق را تلخیص می‌نماید. این طرح مشتمل بر نقشه طرح حفاظت جامع و نرم‌هایی برای اجراست. طرح، سیاست حفاظتی پیشنهادی در هر منطقه مربوطه را تعیین نموده و پارامترهایی را برای درمان در بناهای خاص یا مناطق خاص مشخص می‌دارد. دستورالعمل‌های روشنی برای مناطقی که تحت مراقبت خاص قراردارند، حوزه‌هایی که مورد حفاظت واقع می‌شوند، و مناطقی که رهنمودها باید به آن اعمال گردد، باید تهیه شود. به علاوه، طرح باید مناطقی را که در آن نباید ساختمان‌های بلند احداث گردد، هم‌چنین حوزه‌ها و شرایطی برای توسعه جدید (مثل بناهای بزرگ و بلند مرتبه، محوطه‌های صنعتی و غیره) را معین نموده تا از بروز خسارت به ارزش‌های موجود در مناطق با ارزش تاریخی جلوگیری کند. این مدارک باید زمینه‌های ارجاع بنیادی برای برنامه‌ریزی حفاظتی کامل را هم برای شهر به عنوان یک کلیت و

و پا نموده و ترتیب جزئیات قانونی اجاره را فراهم آورد. در اثر ترکیب این مهارت‌ها و به خصوص در پرتو همکاری مؤثر مدیران املاک، ارتقاء یک مرکز تاریخی از وضعیتی که ساکنین آن را رها می‌سازند تا وضعیت شاداب و کاملاً غنی، میسر می‌گردد.

۳/۵- میزان مداخله:

برای یک محیط شهری که متشکل از یک سری ساختمان است، نقش حفاظت از مراقبت فیزیکی بناهای موجود آغاز و به سایر موارد کشانیده می‌شود.

در جامعه‌ای که معیارهای مبنی بر کاربردهای عملی حاکم و رایج است بالمآل تغییرات مداومی رخ می‌دهد تا بتواند خود را با شرایط اجتماعی - اقتصادی متغیر منطبق گرداند. به علاوه در هر سال،

هم املاک شخصی که متعلق به آن است را فراهم آورد.

طرح جامع حفاظت

باید سوالات مربوط به کاربری را پاسخگو باشد و این امر هم باید منکی بر تجزیه و تحلیل منظم گونه‌شناسی و موجودی تمامی بناها، استوار باشد و هم بر نیازها و تقاضاهایی در منطقه (همچون دسترسی‌ها، خدمات) منطبق گردد. چنانچه بناهایی در بافت، توان بالقوه‌ای برای تبدیل به عملکردهای عمومی یا جمعی را دارند، برنامه‌ریزان شهری، مدیران املاک و معماران می‌توانند مشترکاً با یکدیگر همکاری نمایند. یک برنامه‌ریز شهری باید بداند که یک مرکز تاریخی از نظر نوع نهیلات دارای چه کمبودهایی است (مثل کتابخانه یا مدرسه) و یک معمار باید از مناسب بودن بناها و مناطق اطراف آن برای کاربری پیشنهادی آگاه باشد. مدیر املاک می‌تواند مصرف‌کننده‌ای برای بنا دست

سهم نسبی توسعه‌ای که رخ می‌دهد، در مقایسه با کل بافت شهری موجود، اندک است.

از موارد فوق این نتیجه گرفته می‌شود که طرح حفاظت هم باید وضع حاضر موجودی بناها را به نحوی که در طی حیات خود به رشد و نمو ادامه داده‌اند و هم تغییراتی که برای آینده برنامه‌ریزی شده است را مورد ملاحظه و بررسی قرار دهد. حفاظت از طریق توان بخشی، نقش عمده‌ای در برنامه‌ریزی آینده منطقه شهری دارد، و گزینه حفاظت، اغلب باید اولویت را به گزینه توسعه اختصاص دهد.

۳/۶- نگهداری:

نگهداری منظم برای بقای بافت بناها ضروری است.

بناهایی که از گشت و گل ساخته شده‌اند سقف و دیوارهایشان نیاز به مراقبت سالیانه دارد. در آفریقا، اندوهای آهکی روی دیوار هر ۲-۳ سال نیازمند نوسازی است. فلزات محتاج به حفاظت در مقابل زنگ زدگی هستند، چوب را باید در مقابل حشرات و حملات فارچی حفظ نمود، در آب و هوای مرطوب، رنگ‌آمیزی مجدد نوعی نگهداری اساسی به شمار می‌رود. در بسیاری از کشورها، برای نگهداری مطلوب ملزومات رنگی داخل و خارج بنا، به عنوان یک تجربه قابل قبول، این امر پذیرفته شده که مرتباً آنها را نوسازی نمایند. این امر خود یک زمینه‌ای را پدید می‌آورد که هم خاص خود است و هم مبین طرز تلقی و رفتار محلی است و چنین سنت‌هایی در برخی از کشورهای دیگر که علت تغییرات سریع اجتماعی - اقتصادی موجبات از هم گسیختگی سنت‌های نگهداری از گذشته در آن جامعه گردیده، مورد تجربه واقع نشود، و یا ممکن است معماری آنها متشکل از مواد و مصالح ساختمانی با دوامی باشد که نحوه برخورد دیگری را با سطوح رنگ‌آمیزی شده، تجویز نماید (مثل ایتالیا).

هر رنگ‌آمیزی مجدد، براساس مطالعه تاریخی که به واسطه پژوهش‌های فنی مورد تأیید واقع

می‌شود، باید با توجه به طرح رنگ اصلی و نوع رنگ باشد. در شهر، نیکلو (۱۰) ژاپن، معیبدی است که هر ۲۵ سال یکبار توسط لاک الکل مجدداً رنگ آمیزی می‌شود. حال آن‌که در نزدیکی همین معبد آرامگاهی متعلق به قرن هفدهم قرارداد که تمامی دکوراسیون اصلی آن در وضعیت قبلی، منتهی فقط با کمی رنگ پریدگی، به حال خود باقی است. از نقطه نظر محیط و زمینه آنها، هر دوی این روش‌ها مناسب هستند، زیرا سنت، خود روش عملیات ویژه‌ای را برقرار می‌نماید که با عملکرد بنا سازگار است. امروزه، تهیه رنگ دانه‌های سنتی و روغن‌هایی که در گذشته با رنگ‌ها مخلوط می‌کردند مشکل شده است. مصرف سرب نیز به عنوان یک ترکیب رنگی در اغلب کشورها ممنوع شده و رنگ دانه‌هایی که امروز در دسترس هستند بسیار خالص‌ترند. اما رنگ‌هایی که جدیداً برای بتن یا سطوح مشابه طراحی شده‌اند اغلب برای بناهای تاریخی نامناسب هستند، زیرا با استعمال آن بنا از تنفس باز می‌ماند؛ این مواد یک لایه نفوذ ناپذیر حصارمانندی را تشکیل می‌دهند و هنگامی که رطوبت در بنا به دام می‌افتد، می‌تواند به صورت مخرب عمل نماید. این نوع رنگ‌ها ضمن آن که قادر نیستند زیبایی بنا را افزایش دهند، علاوه بر آن رنگ‌آمیزی مجدد آنها نیز مشکل است. لذا توصیه می‌گردد که مدیریت محوطه میراث فرهنگی جهانی سیاستی را برای رنگ‌آمیزی دکوراسیون مجدد وضع نماید. در این مورد ممکن است نیاز باشد که به فنون سنتی گذشته رجوع نموده و دستورالعمل‌های سنتی بکارگیری رنگ‌ها را مجدداً تدوین نمود. اگر ضرورت داشته باشد، ممنوعیت‌های خاصی برای استعمال بعضی از مواد پیش‌بینی شود و یا در غیر این صورت از بازار تجارت حذف گردند، همانطوری که این عمل در بریتانیا کبیر در مورد بناهایی که در فهرست درجه یک ثبت شده بودند، رخ داد.

۳/۷- توان بخشی:

در مفهوم برنامه‌ریزی شهری، احیاء به معنی

یک سری اقدامات مبنی بر برنامه‌ریزی است که برای بهبود فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی یک منطقه تاریخی یا شهر تاریخی که حیات عملکردی اصلی خود را از دست داده و در نتیجه بناهای تاریخی و فضاهای شهری به صورت اسر زایب بر احتیاج و مخروبه درآمده‌اند، ضروری به شمار می‌رود. هدف احیاء باید برقراری توازن لازم میان حفاظت و توسعه باشد.

احیاء یک منطقه تاریخی که از نقطه نظر اقتصادی فرسوده شده ممکن است نیاز به توان بخشی تعداد زیادی مسکن نمونه و هم چنین بناهای متروکه، از قبیل کلیساهایی که زایب بر احتیاج هستند، صومعه‌ها، انبارهای کالا و کارخانجات، داشته باشد. توان بخشی به معنی انجام اصلاحات فیزیکی است که برای تأمین یک کاربری مناسب جهت یک ساختمان خالی و بدون مصرف یا ساختمانی که به نحو مناسب مورد بهره‌برداری قرارنگرفته، ضروری به شمار می‌رود.

کاربری مجدد بناهایی که مورد توان بخشی قرار گرفته‌اند، بهتر است که به کاربری اصلی آنها نزدیکتر بوده، اما عملکرد آنها باید به نحوی پیش‌بینی شود که برای طرح شهری در کل، حداقل به صرفه و مفید باشد.

اغلب معایب سطحی و فقدان سیاست نگهداری، مردم را اغوا می‌کند که باید این گونه بناها را به کلی خراب نمود. اما بهرحال اگر پی‌ها، دیوارها و سقف‌ها در وضعیت معقولی قرار داشته باشند، به طور کلی یک خانه را می‌توان مورد توان بخشی قرارداد، حتی اگر این اقدام به آن معنی باشد که سقف تازه‌ای یا تمامی سرویس‌های جدید آب گرم و سرد تأسیسات الکتریکی و مکانیکی لازم را برای آن تعبیه نمود.

ضمن آن که بازسازی مختصر یک ساختمان منفرد که به صورت جدی آسیب دیده (مثلاً در اثر

زلزله، یا غفلت از نگهداری آن) باید با رعایت کلیه مسئولیت‌های مربوطه انجام پذیرد، در عین حال لازم است با مسأله کیفیت بک چنین درمانی و تأثیر آن در مقیاس بافت شهری تاریخی به عنوان یک کل، توجه لازم را معطوف داشت.

در چنین مواردی، اجزاء اساسی بنا، از قبیل دیوارهای باربر، در صورت امکان باید در وضع موجود خود ابقاء گردند و ساختارهای جدید باید با مواد و مصالح همگن با بنای اصلی و تکنولوژی مناسب آن انجام پذیرد زیرا به تجربه ثابت شده که یک ساختار منسجم ایمن‌تر و بسیار مقاوم‌تر (مثلاً در مقابل عمل زلزله)، از یک سیستم باربری مختلط که متشکل از ترکیب سنگ و چوب سنتی با فلز و بتن جدید است، عمل می‌نماید. پیشنهادت برای استحکام بخشی ساده یک بنا نباید ارجحیت را به ارزیابی کامل سیستم سازه‌ای موجود آن بدهد، به نحوی که این سیستم بتواند در حداکثر توان بالقوه خود به کار برده شود.

اگر برای یک بنا، قسمت‌های الحاقی و اضافی لازم است، این قسمت‌ها باید با مواد و مصالحی که مناسب یا ساختار موجود آن است، احداث شوند. اگر مواد و مصالح سنتی در دسترس نیست، مواد و مصالح جدید باید به نحوی مورد استفاده قرار گیرند که امر حفاظت ساده اصلی بنا را تضعیف ننمایند.

الحاق سازه‌های فابری شکل جدید که معمولاً ساختار معین (صلب) دارند در سیستم‌های نامتعین موجود ممکن است به علت افزایش وزن اضافی و پاسخ متفاوت آنها به عمل زلزله، اثرات معکوسی به جا گذارد. از طرف دیگر کاربرد نامتعادل مواد و مصالح جدید نیز می‌تواند باعث بروز تغییراتی در بافت سنتی شده تا آن حد که اصالت آن را به مخاطره اندازد.

حفاظت نباید استانداردهای زندگی ساکنین یک منطقه تاریخی را محدود نماید. بهرحال یک جدال پیچیده در مسأله برآورد توقعات فزاینده روش‌های



اورتوریتو (شهر تاریخی) برزیل

تأسیسات الکتریکی و احتمالاً گاز و هم چنین مسأله فاضلاب شبکه‌های هدایت نزولات آسمانی باید برای آنان تأمین گردد. ضمناً در زمینه جلوگیری از نفوذ صوت، منابع تولید سروصدا - مخصوصاً

زندگی امروزه وجود دارد. برای مثال، اگر ساکنین دارای وسیله نقلیه هستند، برای پارکینگ آنان باید مناطق خاصی تخصیص یابد بی‌آن که این مسأله با بافت موجود در تعارض باشد. به علاوه، نیاز به آب،

رستوران‌ها و کلوب‌ها - نیز باید تدابیر خاصی را اتخاذ کرد.

خدمات جدید برای یک منطقه تاریخی هنگامی باید مطرح گردد که آگاهی روشنی از توان جذب، کاربرد و نگهداری آن توسط منطقه، وجود داشته باشد. زیرا ممکن است استانداردهایی که امروزه حاکم است با روش زندگی ساکنین یا تأسیسات زیربنایی موجود (مثل دسترسی به آب، برق، ابزار دفع زباله) مناسب نباشد.

رهنمودهای خاصی برای توان‌بخشی یک منطقه تاریخی باید براساس شرایط فرهنگی و فیزیکی هر محل انجام پذیرد. نمونه‌های آن را می‌توان در استانداردها و رهنمودهای پذیرفته شده توسط وزارت داخله ایالات متحده (ANON, ۱۹۸۳)، یا در رهنمودهای پیشنهادی برای طرح جامع «لامو» (۱۱) در کوبا (۱۲) (Siravo و pulver, ۱۹۸۶) جست. یک چنین رهنمودهایی باید همراه توصیه‌های بین‌المللی مورد قبول واقع شود و در مورد محوطه‌های میراث فرهنگی جهانی، باید با استعلامات مندرج در میثاق‌های بین‌المللی نیز منطبق گردد.

۳/۸- طرح بناهای میان‌افزا:

هدف اولیه برنامه‌ریزی حفاظتی، به خصوص در مورد محوطه‌های میراث جهانی، تخصیص اولویت محض به حفاظت از بافت تاریخی موجود است. احداث ساختارهای جدید نباید عامل ویرانی بناهای قدیمی گردد. به‌رحال ممکن است برای تأمین عملکردهای تازه و تداوم معماری بافت قدیم، و حتی در مواردی که فضاهای خالی برای بافت مضر و خطرناک، به شمار می‌روند و یا عامل نقصان بیشتری برای اطراف بناها هستند، ساخت و سازهای جدید ضروری باشند.

بناهای میان‌افزا براساس تعریف، ساخت و سازهای جدید در درون بافت تاریخی هستند و بنابراین نباید روح زمان حاضر را القاء و بیان نمایند، ولی در عین حال طرح آنها باید طرح زمینه تاریخی که در آن قرارگرفته‌اند را نیز مورد عنایت و ملاحظه قراردهند. طرح بناهای میان‌افزا باید بر مبنای تجزیه و تحلیل منظم و روش مرفولوژی تاریخی بافت شهری موجود و عملکرد آنها استوار باشد. در اساس، این طرح باید هدف عمده‌اش به تکامل دوباره فضاهای خالی و نهی در بافت شهری معطوف گردد. راه حل‌ها و مسایل مربوط به طراحی این گونه بناها، براساس ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی خاص منطقه تاریخی مورد نظر، نوع وضعیت ساختارهای موجود، میزان همگنی با محل و غیره متفاوت است.

ضمن آن که ارابه رهنمودهای عمومی دقیق فایلی اطلاق برای تمامی بناهای میان‌افزا و جهت تمامی مناطق تاریخی غیر ممکن است، رهنمودهای خاصی را می‌توان برای محوطه یا مناطق فرهنگی خاص استوار نمود. نکات زیر به عنوان رتوس مطالبی که بعضی از جنبه‌ها را مورد توجه قرارداده، ممکن است بتواند مفید واقع شود. بناهای جدید باید دارای موارد زیر باشند:

- یک ریتمی که هماهنگ با ریتم‌های شهری و

الگوی مرفولوژیکی بافت اطراف باشد؛

- یک حجمی که در توازن یا زمینه خود قرار

داشته باشد - یعنی چنان مرتفع نباشد که

مقیاس صمیمی و مانوس انسانی مرکز

تاریخی را ضایع نماید و نه براساس ترکیب

تصنی بخش‌های متعددی احداث شود که

با عملکرد بزرگ آن سازگار نباشد؛

- یک خط محدودهٔ خیابان که از خط عقب

نشینی‌های موجود تبعیت نماید؛

- یک سیلوئیت که به سیلوئیت و شخصیت

محل ستنی احترام بگذارد؛

- بکارگیری مواد و مصالح ستنی با مناسب

با مواد و مصالح ستنی؛

- پنجره‌هایی که از نظر شخصیت، مشابه با

دیوار و پنجره‌های بناهای نمونه در همان

منطقه باشد؛ و

- کیفیت بالا از نظر طرح و اجراء که از طریق

رعایت تناسب - و در موارد مقتضی - از

طریق بهره‌گیری از ارتفاع و نسای

ساختمان‌های نمونه موجود به دست مر آید.

عوامل مرتبط با منظر شهری به ندرت ساخت

مجدد بنای از دست رفته را توجیه می‌نماید، یک

چنین راه حلی معمولاً تقلید معمارانه را مد نظر قرار

می‌دهد. مکتب حفظ نمای ساختمان (۱۲) (یعنی

ابقاء نما و احداث یک ساختار جدید در درون آن)،

اصول بنیادی حفاظت شهری را تضعیف می‌نماید،

زیرا نتیجه آن ویرانی بافت موجود است و معمولاً

این اقدام منجر به معرفی ساختار جدید، نامناسب،

عملکرد با مقیاس بزرگتر در بافت تاریخی می‌گردد.

ساخت و سازهای جدید در مراکز تاریخی باید با

پرکردن فواصل در بافت تاریخی محدود شود، و

بناهای میان‌افزا باید دارای سر زندگی هنری بوده و

براساس استانداردهای بالا و هماهنگ با مقیاس و

شخصیت محوطه‌های میراث جهانی که در آن قرار

دارند، طراحی شوند.

۳/۹- اقدامات اداری:

نظام شهری، یک مجموعه پیچیده‌ای از منابع

مختلف است که به یکدیگر مرتبط هستند و باید به

عنوان یک کل مد نظر قرارگیرد. ساده‌ترین سطح این

نظام، متضمن خدمات و تسهیلات شهری همچون

تجهیزات مرتبط به آب، فاضلاب، برق، ترافیک و

پارکینگ است. برخی از منابع، تمام شدن اما تجدید

پذیرند (مثل زندگی گیاهی)، اما بناهای تاریخی جزء

این مقوله به شمار نمی‌روند. مدیریت خصوصی

منابع تجدید ناپذیر یا توسل به هدف گسب درآمد

سریع اقتصادی به سرعت می‌توانند این منابع را

ضایع نمایند. مدیریت موفق محوطه‌های میراث

جهانی نیاز به اهداف گسترده‌تر دارند. البته نیاز ندارند

نتایج این کار فقط منتهی به سود مالی باشد، بلکه

می‌تواند پرستیژ، وضعیت و سود اجتماعی یا سیاست را به دنبال داشته باشد.

مدیران شهرهایی که جزء فهرست میراث جهانی قرار دارند، مجبور هستند با واقعیات اخیر که فشارهای قابل ملاحظه‌ای بر مراکز تاریخی وارد می‌سازند، روبرو شوند. امروزه در اغلب جوامع، روش سنتی زندگی در حال تغییر است که این امر در میان سایر مسایل، باعث تغییرات ناگهانی سریع و عمیقی در شخصیت شهرها می‌گردد. محلی که جمعیت در آن متمرکز شده و فرهنگ معاصر به دنبال آن است که خود را متجلی نماید. شهرها فریبانیان مقدم این تغییرات هستند و به همین دلیل به نحو زایدالوصفی ضروری است که این تغییرات تحت اداره درآیند و این امر مبارزه‌ای است که در برابر سازمان‌های این شهرها قرارداد.

هنگامی که کنترل تغییر توسط سیاست حفاظت برای شهری که جزء فهرست میراث جهانی قرارداد، به آزمون در می‌آید، این مشکلات مبارزه وسیعتری را در برابر افرادی که برای اداره تغییرات انتخاب و منصوب شده‌اند، قرار می‌دهد. برای آن که شهرهای تاریخی، توسط بناهای قدیمی خود دچار خفگان نشوند و به منظور این که به جنبه‌های تاریخی زندگی معاصر نیز تسلیم نشویم، لازم است که شهرها توسط افراد حرفه‌ای با بصیرت که مجرب و کاملاً آزموده و مطلع هستند، اداره شوند. باید یک کمیته میان رشته‌ای برای حفاظت یافت تاریخی منصوب شود که از ضوابط کاملاً مشخص تبعیت نمایند و ضمن آن که روش کاراً و موثری برای بررسی بازتاب‌های این اقدامات به کارگیرند.

به طور خلاصه مدیریت مناطق شهری تاریخی مستلزم رعایت موارد زیر است:

- تجزیه و تحلیل مورفولوژی شهری

• همراه با مطالعات منظم تیپولوژی، وضعیت، کاربرد و نحوه تصرف بناها و همچنین تعیین علل اقتصادی و رشد و نقصان آنها؛

- اعمال مدیریت املاک با

بازرسی‌های منظم و استراتژی نگهداری، مشتمل بر کنترل رنگ آمیزی مجدد دکوراسیون بناها؛

- ارایه طرح‌های مقدماتی توان‌بخشی معتدل، به عوض طرح‌های جاه‌طلبانه و جمع‌آوری بازتاب‌های اجتماعی و مشورت با ساکنین بناها.

برنامه‌ریزی حفاظتی فعلیتی است که برای مرتبط ساختن آینده مطلوب یا وضع حال طراحی شده است، و این امر عنصر بحرانی مدیریت منابع فرهنگی به شمار می‌رود.

۴/۹- چک لیست حفاظت شهری :

کمیته محوطه مربوطه با بسیاری از سؤالات ویژه روبرو خواهد شد، از جمله :

آیا ارزش‌های زیربنایی بنیادی شهرهایی که جزء فهرست میراث جهانی قرار دارند، به درستی تعیین شده‌اند؟

آیا اهداف حفاظت از میراث جهانی توسط سیاست‌های موجود مورد ترغیب و تشویق قرار گرفته‌اند؟

آیا اصول اعلام شده در میثاق‌ها و منشورهای بین‌المللی اعمال شده‌اند؟

آیا قوانین و ضوابطی که اعمال آنها مورد نظر است، به روز در آمده‌اند؟

آیا اعمال این قوانین و ضوابط مؤثر است؟ اگر نه، در کجا با عدم موفقیت روبرو خواهند شد؟

آیا اهالی درک کافی نسبت به ارزش‌های مندرج در میراث خود را دارند؟

آیا تأسیسات زیربنایی کافی و در وضعیت خوب، قرار دارند؟

آیا توسط مالکین املاک نسبت به سیاست‌های حفاظتی مقاومت نشان داده

می‌شود؟

چگونه می‌توان از خسوت و عدم حضور **گروه‌های علاقمند** اجتناب نمود؟

چگونه باید **وظیفه مراقبت** را در مقابل جاذبه مالی ناشی از توسعه مجدد و ساخت و سازهای مجدد مساکین را که در ظرفیت‌های بالایی افزایش یافته، ایفاء نمود؟

روابط میان مالکین املاک و متخصصان امر حفاظت رضایت بخش است؟

آیا روش عملیات برای **طرح‌های اجرایی حفاظتی** به نحو رضایت بخشی عمل می‌کند؟ **هزینه مداخله‌هایی** که به منظور حفظ و توان‌بخشی صورت می‌گیرد، چقدر است؟

آیا **گزینه‌های مالی** برای این کار مورد بررسی و جستجو قرار گرفته‌اند؟ آیا بنیادها و شرکت‌های خصوصی در این مورد کمک می‌کنند؟ آیا می‌توان از سرمایه‌های در گردش استفاده کرد؟ آیا مشکلات مالی غیر قابل حل هستند؟

آیا مدیران سطوح بالای **دولت** کمک مالی می‌کنند؟

چه میزان از سهم درآمد از **بازدیدکنندگان خارجی** به امر حفاظت اختصاص یافته است؟

آیا **انگیزه‌های مالی و مالیاتی** به منظور تشویق مالکین املاک جهت نگهداری یا توان‌بخشی املاکشان وجود دارد؟

آیا **کنترل‌ها** برای **انگیزه‌های مالی و مالیاتی** کافی است؟

آیا **کنترل اجاره بهاء** برای جلوگیری از جابجایی مستأجرین فعلی املاک ضروری است؟

به شرط حفظ اصالت تاریخی و ارزش‌های مبتنی بر باستان‌شناسی، آیا این امکان وجود دارد که در امر توان بخشی به **بازگشت معقول مالی** دست یافت؟

چگونه می‌توان **اصالت تاریخی** را حفظ